

تبیین جامعه‌شناختی احساس نابرابری اجتماعی - اقتصادی*

در بین شهروندان اصفهانی^۱

رسول اخوی^۲، حسین آقاجانی مرسا^۳، شهلا کاظمی پور^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹، تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴)

چکیده

مردم جامعه بیشتر از آنکه از نابرابری واقعی رنج ببرند، از احساس ذهنی یا نابرابری ادراک شده رنج می‌برند. برای تبیین موضوع، در این پژوهش به دنبال بررسی عوامل اجتماعی موثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی بوده و سعی کردیم به این پرسش پاسخ دهیم: عوامل اجتماعی موثر بر احساس نابرابری اجتماعی در شهر اصفهان کدامند؟ این تحقیق از نظر کنترل شرایط پژوهش از نوع روش ترکیبی یا آمیخته (پیمایشی و نظریه زمینه‌ای) است. جامعه آماری بررسی حاضر کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر اصفهان هستند. حجم نمونه برطبق فرمول کوکران ۴۰۰ نفر بوده است که با روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم انتخاب شدند. داده‌ها با پرسشنامه پژوهشگر ساخته‌ای متشکل از ۲۸ گویه برای متغیرهای مستقل و ۱۸ گویه برای احساس نابرابری اجتماعی (متغیر وابسته) جمع‌آوری شد. تامین روایی سوالات پرسش‌نامه از طریق روش اعتبار صوری انجام شد و برای اطمینان از کیفیت ابزار، پژوهشگر با دو ملاک پایایی و اعتبار اقدام به بررسی آن کرد. برای بررسی پایایی از پایایی بازآزمایی استفاده شد که میزان ۹۹ درصد پایایی بدست آمده حاکی از پایایی بسیار بالای ابزار بود. برای بررسی اعتبار، از اعتبار محتوا (برطبق فرمول سن اچ لاوشه - ضریب CVR) استفاده شد که ضریب CVR معادل ۶۸ درصد بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل واریانس یک سوپیه و آزمون تی مستقل، استفاده شد. بر اساس نتایج بدست آمده، تفاوت معناداری بین احساس نابرابری اجتماعی و متغیرهای فرصت‌های اجتماعی، محدوده جغرافیایی و برنامه‌های رسانه‌ای وجود دارد. اما بین احساس نابرابری اجتماعی و متغیرهای قومیت، دین، پایگاه‌های اجتماعی و سطوح تحصیلات، تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: نابرابری اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی، شهروندان اصفهانی، قومیت، دین، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و برنامه‌های رسانه‌ای.

Doi: <http://10.22034/JSI.2024.555505.1591>

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می‌باشد

۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Akhavi110@gmail.com

۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) marsa886@gmail.com

۴ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. skazempour@gmail.com

مقدمه

آرمان برابری، مانند آزادی، از قدیم‌ترین آرمان‌های بشری است که، پیامبران، آزادگان، روشنفکران و همه مردم محروم و زجر کشیده، در طول قرون بر آن تاکید داشته‌اند. مفهوم برابری، همراه با رنسانس و انقلاب صنعتی و انقلاب‌های سرمایه‌داری، بار دیگر با تعبیری تازه تر مطرح شد. نابرابری یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. در مناطقی چون کلان شهر اصفهان که صنعتی و رو به توسعه است و گروه‌های مختلفی را به خود جلب می‌کند عضویت در گروه‌های خاص؛ گروه‌هایی که وجوه مشترک خود را می‌شناسند، دارای باورها و ارزش‌های مشابهی هستند و به شیوه‌های جمعی عمل می‌کنند می‌تواند عامل محرومیت، محدودیت، امتیاز بخش و مبنای شمول اجتماعی باشد. اصفهانی بودن امتیازی است که منابع ارزشمند و کمیاب‌تر را به خود جذب می‌کند و غیر اصفهانی‌ها و به ویژه مهاجرانی را که با هویت مهاجر شناخته می‌شوند به سوی منابع کمتر ارزشمند، بی ارزش و یا فقدان منابع می‌راند و به این ترتیب، مهاجران آسیب پذیر را از صحنه رقابت بیرون رانده و زمینه طرد اجتماعی و پیدایش مسائل اجتماعی چون اعتیاد و فساد اخلاقی در بین این گروه‌ها را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر شهر اصفهان طی چند دهه بعد از انقلاب، به موازات رشد و توسعه اقتصادی، رشد جمعیتی بارزی داشته و برطبق آخرین آمار جمعیتی بالغ بر ۲/۲۴۳/۲۴۹ نفر^۱ را در خود جای داده است. اصفهان هم مانند هر شهر بزرگ دیگری هم‌زمان با گسترش و رشد صنعتی، تفکیک، تمایز و جدایی سازی فرهنگی- اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشته است. با وجود تلاش مسئولان، امکانات موجود پاسخگوی نیازهای شهروندان نیست و آن گونه که آمارهای شهرداری اصفهان نشان می‌دهد به طور غیرهدفمندی توزیع خدمات و امکانات فرهنگی، آموزشی، ورزشی، حمل و نقل، ارتباطات و بودجه‌های عمرانی نابرابر بوده و شهروندان برخی مناطق نسبت به سایر مناطق برخوردارترند، رفاه و امنیت بیشتری دارند و گروه‌های شغلی و فرهنگی خاصی را در خود جای می‌دهند. به نظر می‌آید جامعه و اجتماع‌های غیررسمی با جداسازی فرهنگی، جداسازی اجتماعی و فیزیکی برخی گروه‌ها را رقم می‌زنند و کنترل توزیع منابع و فرصت‌ها و اختصاص آنها به گروه‌ها و رده‌های خاص را در دست گرفته‌اند. وقتی آمار مشاغل، تحصیلات، تعداد ورزشکاران و حتی تعداد افراد معلول برحسب منطقه مقایسه می‌شود

۱ نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵. درگاه ملی آمار ۱۳۹۶. انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان ۱۹ بهمن ۱۳۹۴.

تفاوت‌های فاحشی مشاهده می‌شود. بخش اعظم سمت‌های اجرایی رده بالای شهر را اصفهانی‌های اصیل^۱ و یا استان اصفهانی‌ها^۲ به خود اختصاص داده‌اند، و به نوعی احساس می‌شود مشاغل کارگری به افغانستانی‌ها، لرها و بختیاری‌ها اختصاص دارد. به طور کلی در کلان شهر اصفهان چند محدودیت با هم آمیخته و قشربندی خاصی را پدید آورده است: محدودیت دینی، محدودیت فضایی و محدودیت اجتماعی (که نمایانگر قدرت است). بحث اصلی ما در این پژوهش، احساس نابرابری اجتماعی اقتصادی در بین شهروندان اصفهانی بوده و درصدد هستیم که این احساس نابرابری را در بین اقوام و ادیان موجود در کلان شهر اصفهان بسنجیم. مفروض اصلی تحقیق در این بررسی این است که به نظر می‌رسد گروه‌های قومی و دینی احساس می‌کنند که سیاست‌های دینی و قومی در ایران بر اساس اعطای نامتوازن منابع و فرصت‌ها در بین گروه‌های دینی و قومی شکل گرفته است.

پیشینه تجربی تحقیق

در جمع‌بندی مطالعات پیشین می‌توان اذعان کرد که اکثر تحقیقات صورت گرفته به شایستگی و بطور کامل به مسئله نابرابری اجتماعی پرداخته‌اند و گروه‌های هدف را به خوبی شناسایی کرده و به مطالعه میزان نابرابری اجتماعی پرداخته‌اند؛ اما آنچه تحقیق حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری احساس نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی در جامعه است. عبدی (۱۳۹۹) در مقاله "نابرابری؛ مار گرسنه‌ای که دم خود را می‌خورد" به این نتیجه می‌رسد که نابرابری‌های حقوقی، سیاسی، دینی و اجتماعی با هر منطق و انگیزه‌ای که برقرار شوند، می‌توانند به نتایجی بدتر از نابرابری اقتصادی منجر شوند و حتی نابرابری اقتصادی را ایجاد نمایند.

نتیجه پژوهش شاه‌آبادی، بنیاد و کامیارفرد (۱۳۹۷) در بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با احساس نابرابری اجتماعی در شهر کازرون حاکی است که متغیرهای سن، تعداد اعضای خانواده، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، خانواده و دسترسی نابرابر به مسیرهای استخدامی،

۱ افرادی که خود را قدیم اصفهانی معرفی می‌کنند و حداقل والدین شان در شهر اصفهان متولد شده‌اند.
۲ افرادی که در فاصله زمانی ۱- ۵۰ سال گذشته، خود و یا خانواده پدری شان از سایر شهرهای کشور به شهر اصفهان مهاجرت کرده و هنوز در مقابل اصفهانی‌ها هویت خود را با شهر پدری معرفی می‌کنند و در مقابل غیر اصفهانی خود را اصفهانی معرفی می‌کنند.

تجمل‌گرایی، سرمایه اجتماعی، دسترسی نابرابر به امکانات بهداشتی با نابرابری اجتماعی رابطه‌ی معناداری دارند. همچنین نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که تجمل‌گرایی و دسترسی نابرابر به امکانات بهداشتی در مجموع ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

نتایج یافته‌های شالچی (۱۳۹۵) در ارتباط با بازتولید نابرابری اجتماعی در تهران از خلال برهمکنش سرمایه و فضا حاکی از آن است که چرخش نابرابر تولید ملی به بخش مسکن و نیز بازار مسکن و مستغلات شهر تهران در کنار خلق انواع نابرابری‌های اقتصادی در بازار مسکن بر حسب جایگاه هزینه‌ی مسکن در بودجه‌ی خانوار و توزیع جغرافیایی اقشار مختلف، زمینه ساز خلق نابرابری در تهران معاصر شده و این روند موجب بازتولید انواع نابرابری در حوزه‌ی کلان اجتماعی می‌شود.

نتایج پژوهش حمیدیان، زاهدی، ملکی و انصاری (۱۳۹۴) در بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها حاکی از آن است همه گروه‌ها دسترسی یکسانی به منابع ندارند و برخی گروه‌ها تبعیض اجتماعی بیشتر و طرد اجتماعی به مراتب شدیدتری را تجربه می‌کنند و بین برابری اجتماعی، دسترسی به منابع و ادغام اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد. با این اوصاف لازم است دولت و جامعه با حمایت‌های اقتصادی و آموزشی و فرهنگ سازی در راستای برابری اجتماعی، از طرد اجتماعی گروه‌های آسیب پذیر و ایجاد بی نظمی‌های اجتماعی و سیاسی ممانعت به عمل آورند.

فیروزآبادی و صادقی (۱۳۹۲) در کتاب طرد اجتماعی به مباحث نظری پیشینه و مفاهیم مرتبط با مفهوم طرد اجتماعی پرداخته اند. محققان یاد شده در فصلی جداگانه، طرد اجتماعی زنان روستایی ایرانی را در دو گروه مهاجر و بومی بررسی نموده‌اند و نتایج نشان داده که زنان فقیر بومی به لحاظ حمایتی، از شبکه‌های درون گروهی قوی تر برخوردارند و نسبت به هم‌تایان مهاجر خود، طرد کمتری را تجربه می‌کنند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

نتایج یافته‌های صداقتی و سخا مهر (۱۳۹۲) حاکی از آن است که در بین ابعاد مختلف نابرابری جنسیتی "نابرابری حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی" بیشترین میزان احساس نابرابری، مربوط به متغیر نابرابری حقوقی است. همچنین بعد سیاسی نابرابری جنسیتی، رابطه‌ی معکوس و معنادار با مشارکت اجتماعی دارد.

طهماسبی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود دریافتند که تفاوت معناداری بین احساس نابرابری اجتماعی و متغیرهای فرصت‌های اجتماعی (شانس‌های زندگی)، محدوده‌ی جغرافیایی و برنامه‌های رسانه‌ای (مخاطبان و رسانه داخلی یا خارجی) وجود دارد.

نتایج پژوهش ربانی و دیگران (۱۳۹۰) حاکی از حد متوسط بودن نابرابری اجتماعی در بین پاسخگویان (۲/۷) و متوسط بودن سرمایه‌ی اجتماعی در بین آنها (۲/۹) است. همچنین نتایج بیانگر آنست که هر چه سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر باشد، نابرابری اجتماعی کاهش خواهد یافت (ربانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

نتیجه پژوهش فرزاد نوابخش (۱۳۹۰) در بررسی عوامل بنیادین و مؤثر در شکل‌گیری روابط و مناسبات قومی در جامعه ایران حاکی است که کمبود منابع آبی و محدودیت‌های اقلیمی مؤثر بر شیوه‌های معیشتی، تهدیدهای سیاسی و اقتصادی خارجی و داخلی ناشی از موقعیت منطقه ای سرزمین ایران و وضعیت ژئوپلیتیک آن، عنصر مذهب و تأثیر آن در شکل‌گیری روابط فراقومی، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و آداب، رسوم و سنت‌های مرتبط با آن، ساختار متمرکز مدیریتی و سیاسی، پیوند تنگاتنگ میان موقعیت‌های اقتصادی برتر با موقعیت‌های سیاسی و مدیریتی، استمرار و پایداری تاریخی میان نوع و شکل روابط مدیریتی و سیاسی یک طرفه (از بالا به پایین) در ساختار جامعه ایران، شکل‌گیری و توسعه روابط و مناسبات مبتنی بر قشربندی و عدم شکل‌گیری کامل گروه‌های اجتماعی، توده‌ای بودن روابط اجتماعی عوامل بنیادینی هستند که به نظر می‌رسد ضمن اثرگذاری در شکل‌گیری روابط و مناسبات قومی، در ایجاد و تعلق‌پذیری فراقومی، و پیوستگی‌های اجتماعی متناسب با آن در نظام اجتماعی حاکم بر جامعه ایران نیز از نقش معناداری برخوردار هستند.

نتایج یافته‌های توپید^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در مورد نابرابری اجتماعی و اقتصادی در بروز چهار نوع سرطان رایج [سرطان خون، سینه، ریه و روده بزرگ]: مطالعه‌ی رجیستری مبتنی بر جمعیت، نشان می‌دهد که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی در غرب وجود دارد از جمله اسکاتلند و در بعضی موارد افزایش یافته است. این مطالعه به طور خاص شیوع اجتماعی و اقتصادی در حال ظهور (که قبلاً گزارش نشده) را در بروز سرطان روده بزرگ در میان زنان و مردان نشان می‌دهد که اقدامات برای جلوگیری، کاهش و نابود کردن نابرابری‌های بهداشتی باید در اولویت بهداشت عمومی باشد.

1 Tweed & et all

جانسون^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود در ارتباط با روند نابرابری اجتماعی در میان نوجوانان دانمارکی به این نتیجه رسیدند: اگرچه به نظر می‌رسد که شکاف در فعالیت فیزیکی بین طبقات اجتماعی، در نوجوانان دانمارکی گسترش نیافته است، اما تفاوت‌های قابل توجهی در سطح فعالیت‌های میان نوجوانان بالا، متوسط و پائین وجود دارد. در نتیجه، نیاز به فعالیت مداخله‌ی جسمانی هدفمند در میان نوجوانان طبقه‌ی پائین (ومتوسط) وجود دارد.

مبانی نظری

نابرابری پدیده‌ای جهانی است که در زیر پوست همه جوامع و کشورها جریان دارد و تنها وقتی که بر ساخت می‌شود، نمایان می‌گردد. نابرابری پنج صفت اصلی دارد: خصلتی اجتماعی دارد، پدیده‌ای قدیمی و جهانی است، صورت‌های گوناگون دارد و مجموعه‌ای از پیامدهای مشخص دارد (تأمین^۲، ۱۳۷۳: ۲۴-۲۳).

نابرابری با توجه به تفاوت استعدادها و تلاش‌های افراد امری اجتناب ناپذیر است (به نقل از هادی زوز، ۱۳۸۴: ۵). مفهوم نابرابری، هم بسیار ساده است و هم بسیار پیچیده؛ در ساده‌ترین سطح، این پدیده باچنان جاذبه‌ای مردم را تحت تاثیر قرار داده که تاکنون هیچ مفهوم دیگری چنین تاثیری نداشته است. اما این مفهوم در سطحی دیگر، به طور فزاینده‌ای پیچیده است، به نحوی که عباراتی را که در باب نابرابری بیان می‌شوند بسیار غامض می‌کند و بنابراین موضوع تحقیقات فراوان فلاسفه، محققان آمار، نظریه پردازان سیاسی، جامعه شناس‌ها و اقتصاددان‌ها بوده است. این مفهوم در ذهن افراد مختلف، بسته به پیش داوری و دانش آن‌ها، مفاهیم متفاوتی را ایجاد می‌کند (آمارتیا کومار^۳، ۱۹۹۷؛ به نقل از ذاکری هنجنی، ۱۳۸۶: ۸۴ تا ۸۵).

نابرابری یکی از مأنوس‌ترین حقایق زندگی اجتماعی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران، امری بدیهی است. درعین حال نابرابری اجتماعی مسئله‌ای نیست که به سادگی حل و تبیین شود (گرب، ۱۳۷۳: ۹). در این که نابرابری به موضوع‌هایی همچون شکاف بین پولدارها و فقرا یا تفاوت میان افراد برخوردار و محروم معطوف است، اتفاق نظر وجود دارد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰).

1 Johnse

2 Melvin Marvin Tumin

3 Amartya Kumar

نابرابری اجتماعی، به توزیع چوله منابع ارزشمند در جامعه می‌گویند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴۱). نابرابری اجتماعی به وضعیتی گفته می‌شود که در چارچوب آن انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع با ارزش، خدمات، موقعیت و فرصت‌های جامعه دارند و این هنگامی است که افراد یکدیگر را درجه بندی و ارزیابی می‌کنند (همان: ۱۴۱).

چارلز تیلی پایه‌های اخیر نابرابری را شامل مجموعه منابع ارزشمند می‌داند: ۱- سرمایه مالی؛ ۲- اطلاعات؛ ۳- علم و ۴- رسانه برای حمایت و انتقال اطلاعات علم و سرمایه (رومرو^۱، ۲۰۰۵: ۲۴).

سینچکام با توجه به عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، عواملی چون نحوه توزیع قابلیت‌های ارزشمند فرهنگی، توزیع اجاره داری‌های رسمی و به خصوص حق مالکیت، نظام مالیات بندی، تأمین اجتماعی، منافع اقتصادی و روابط متقابل، امتیازها و طبقات، الگوهای همبستگی و سازمان تکنولوژی جامعه را عامل‌های اساسی نابرابری‌های اجتماع می‌داند (سینچکام و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۱۰).

در نابرابری اقتصادی، امکانات کاری و درآمد اهمیت دارند و در نابرابری اجتماعی، موقعیت‌های اجتماعی، دسترسی یکسان به موقعیت‌های اجتماعی از جمله آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن و دیگر خدمات اجتماعی و در دسترس بودن موقعیت کاری و شغلی اهمیت دارند (کمالی، ۱۳۸۵: ۲۹۲-۲۹۱).

نابرابری اجتماعی به تفاوت‌های میان افراد یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده اند، اشاره می‌کند و مهم‌ترین تفاوت‌ها، تفاوت‌هایی هستند که به معنی اجتماعی کلمه، ساختاری شده‌اند و جزء لاینفک کنش متقابل و مستمر افراد هستند (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰).

نابرابری اجتماعی چندبعدی است و در رابطه اجتماعی آبگینگی می‌یابد و تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعیین و معنادار بر مبنای درک تطبیقی منزلت‌های درون فهمی شده به صورت تفاوت گذار و تبعیضی رفتار خواهند کرد که به نوبه خود راجع است به کارکرد درجات معین قدرت، ثروت و حیثیت در تنظیم رابطه اجتماعی (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۰۳). از نظر بلاو نابرابری‌های افقی و عمودی اجتماعی برخاسته از پارامترهای اسمی و رتبه‌ای است. در واقع تمایز بنیادی جامعه، تمایز بین ناهمگونی منبعت از پارامترهای اسمی و نابرابری پایگاهی

1 Romero M.

منبعث از پارامترهای رتبه‌ای است. پارامترهای اسمی (جنسیت، دین، هویت نژادی، شغل و محل زندگی) تمایزهای افقی یا ناهمگونی را به وجود می‌آورند و پارامترهای رتبه‌ای (آموزش، سن، درآمد، اعتبار و قدرت) تمایزهای عمودی یا نابرابری را ایجاد می‌کنند. پس دو شکل نابرابری پایگاهی را می‌توان از یکدیگر تشخیص داد. یکی حالت تراکم ثروت و قدرت و دیگری حالتی که ویژگی‌های پایگاهی در دست گروه کوچکی از نخبگان است (کوزر، ۱۳۷۸: ۵۲۳-۵۲۲).

فرانک پارکین با پیوند مفهوم قدرت با انسداد اجتماعی به بحث نابرابری اجتماعی در سطح میانه می‌پردازد. انسداد اجتماعی^۱ فرایندی است که گروه‌های مختلف اجتماعی توسط آن به دنبال بیشینه سازی پاداش‌های خود از طریق محدود کردن دسترسی به منابع و فرصت‌ها به نفع خود هستند و این به معنای اعمال قدرت و نابرابری در جامعه است. پارکین دو شکل عمده انسداد اجتماعی را تشخیص می‌دهد: الف) طرد^۲: استراتژی‌هایی که گروه‌ها برای جدا کردن بیگانه‌ها از خود و ممانعت از دسترسی آنها به منابع ارزشمند اتخاذ می‌کنند؛ و ب) غصب^۳ که ابزاری است که افراد زیر سلطه از طریق آن می‌خواهند حداقل قسمتی از قدرت از دست رفته را باز پس گیرند (گیدنز، ۱۹۸۶؛ صبوری، ۱۳۷۳: ۲۲۸).

انسدادهای اجتماعی مبین پیوستگی شدید بین نابرابری اقتصادی- اجتماعی و تبعیض و استثمار است. یعنی تمام شکل‌های تبعیض، به طور بالقوه می‌تواند شکل استثمار به خود گیرند. به همین نحو نظریه نژادی انتقادی بخشی از تئوری اجتماعی چندفرهنگی و مبتنی بر رهیافت انتقادی مارکسیستی (ماتسودا^۴ و دیگران، ۱۹۹۳ به نقل از اشنایدر^۵، ۲۰۰۳: ۹۰) و درصد برخورد با نابرابری اجتماعی، کاهش و یا حذف نابرابری اجتماعی و تمرکز زیاد بر ستم متقاطع (ریتزر^۶، ۲۰۰۹: ۶۴۱) و مخالف هر نوع نژادی سازی افتراقی است. از این رو به سازه‌های اجتماعی نژاد، طبقه و جنسیت خیلی توجه دارد زیرا هر یک از این سازه‌ها می‌تواند (و اغلب چنین است) علت اولیه از خودبیگانگی، جدایی از جامعه، بی قدرتی و بی معنایی و موجب و مقوم نابرابری‌ها در جامعه گردد (اشنایدر، ۲۰۰۳: ۱۰۱). مثلاً: بونیلا سیلوا (۲۰۰۳) کوررنگی^۷ را همچون یک صفحه دودی می‌بیند که به آمریکایی‌های سفید، اجازه ابدی ساختن تبعیض نژادی

1 Social closer

2 Exclusion

3 Usurpation

4 Matsuda M.

5 Schneider C. J.

6 Ritzer G.

7 Color-blind

را می‌دهد (ریتزر، ۲۰۰۹: ۶۴۳). دیوید رودیگر ساخته شدن سفیدپوست بودن را همراه با سرکوب قومیت‌های اروپایی عنوان کرده است (سیدمن، ۱۳۸۶: ۳۱۳-۳۱۲). ریچارد دایر می‌گوید: منظور از لفظ سفیدپوست بودن عبارت است از بیرون راندن آنها / ما از قدرت، به همراه تمامی بی‌عدالتی‌ها، ظلم‌ها، امتیازات و آسیب‌هایی که جزئی از آن است (سیدمن، ۱۳۸۶: ۳۱۵).

نابرابری اجتماعی و استمرار فاصله‌ی طبقاتی یکی از معضلات جوامع بشری است. این نابرابری از گذشته‌های دور به صور گوناگون وجود داشته و از دیرباز یکی از مهمترین مباحث در بین اقوام و ملل مختلف بوده است و در هر جامعه بر مبنای فلسفه، مذهب و قوانینی که داشته‌اند این سوال مطرح بوده که آیا افراد انسانی همه برابر و مساوی‌اند و یا بر حسب نژاد، رنگ، زبان، مذهب و... دارای حقوق و مزایای متفاوتی هستند؟ (ربانی و انصاری، ۱۳۸۵: ۷۳)

اندیشمندان دینی و دولتی، نابرابری‌های ناشی از معیارها و شاخص‌های جنسی، سنی، دینی، عقیدتی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، مدنی و سیاسی را تأیید و توجیه کرده‌اند. به همین مناسبت مساله‌ی نابرابری و حرکت در راستای تخفیف یا تشدید آن از قرن‌ها پیش مطرح بوده و به شکل‌های گوناگون در کتاب‌های مقدس و در گفتارهای فیلسوفان و سیاست‌ورزان بازتاب داشته است (شیخاوندی، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۳).

به طور کلی نابرابری اجتماعی، پیامد تقسیم ناعادلانه منابع و فرصت‌های موجود جامعه است و از وقتی رخ داده که برخی کنشگران اجتماعی، نسبت به موقعیت شان در روابط اجتماعی، به طور منظم سهم بیشتری از کالاهای با ارزش جامعه دریافت کردند (هرادیل، ۱۹۹۹: ۲۶ و آنجا ویس^۱، ۲۰۰۵: ۷۱۰). همچنین نابرابری دارای چهار جنبه اساسی تفاوت گذاری، رتبه بندی، ارزیابی و پاداش دهی (انصاری، ۱۳۷۸) است. در تبیین نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی دو نکته حائز اهمیت است: اول: نوع نابرابری مورد تبیین که ممکن است عمودی یا افقی باشد. از این رو الگوهای تبیین نابرابری را می‌توان بر روی دو بردار نشان داد: ۱- محور افقی یا رده‌ای و اسمی؛ که در تبیین نابرابری افقی مفاهیمی نظیر طبقه، آگاهی طبقاتی، شغل، تعلقات قومی، تعلقات دینی و نسل مبنا قرار می‌گیرند؛ ۲- محور عمودی یا رتبه‌ای. در این محور مفاهیمی نظیر قدرت، درآمد، منزلت و جایگاه سلسله مراتبی در ساختار بوروکراتیک، در قلمروهای اجتماعی

1 Weiss A.

اقتصادی و یا سیاسی مدنظرند (آندریاس هس^۱، ۲۰۰۱: ۱۷۲). این گونه مفاهیم موصوف صفت‌هایی چون بالا/ پایین و یا شدید/ متوسط و ضعیف و نظارت بر آنها می‌شوند. دوم: رهیافت یا برنامه پژوهشی که بر پایه‌ی اصول، پیش فرض‌ها و روش آن، نابرابری‌های جامعه تبیین می‌شود. دو رهیافت کارکردگرایی و تضادی، مهمترین رهیافت‌های تبیین نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی اند. از نگاه کارکردگرایی همه جوانب اجتماعی به دلایل کارکردی اجتماعی وجود دارند. افراد مشخصی، ثروتمند و قدرتمندند چون کیفیت‌هایی ویژه دارند که آنها را در اداره جامعه تواناتر می‌سازد و دیگران فقیرند، چون این کیفیت‌ها را ندارند. این رویکرد طبیعت‌گرایانه است و تأکید می‌کند که افراد به لحاظ ویژگی لازم برای گرفتن موقعیت‌های مختلف، به طور معنی داری متفاوت‌اند و تطابق موقعیت و قابلیت، عادلانه، کافی و حتی متافیزیکی است (رومرو، ۲۰۰۵: ۱۹). به طور نمونه در نزد پارتو، نخبگان به دلیل لیاقت و هوش ذاتی خود، بر دیگران برتری می‌یابند (انصاری، ۱۳۸۷ و ربانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۲)، سامنر ارزش اجتماعی انسان را ملاک تعیین طبقات اجتماعی می‌داند به طوری که هر کس به اندازه‌ی استعداد طبیعی خود در این رتبه بندی، مرتبه‌ای را احراز می‌کند (ملک، ۱۳۷۴: ۷۲).

هرنستین و موری^۲ (۱۹۹۴) نیز معتقدند عوامل ژنتیکی و روانشناختی می‌توانند در شکل دادن شانس زندگی افراد در طبقات اجتماعی و سطوح درآمدی متفاوت، مؤثر باشند. تانسند در تشریح دیدگاه کارکردگرایان به این نکته اشاره می‌کند که نابرابری نه تنها توسط برخی مکانیسم‌های خاص و اصول خاص تخصیص منابع، ایجاد می‌شود بلکه برخاسته از توافق عام در مورد منزلت اجتماعی و توزیع کلی قدرت سیاسی سازماندهی شده است. از این منظر، نابرابری، دموکراتیک و ضروری است، چون تصور جامعه‌ای که در آن هیچ گونه تفاوت منزلتی و قدرت وجود نداشته باشد، دشوار است (تانسند^۳، ۱۹۷۹: ۸۲). در حقیقت کارکردگرایی در راستای تثبیت و تأیید جایگاه نخبگان مالی و سیاسی، در رأس هرم قدرت جامعه است. در دیدگاه تضادی تاریخ جوامع، تاریخ مبارزه بین ضعیف و قدرتمند است. از این منظر، نابرابری نتیجه کارکرد سالم جامعه نیست بلکه صرفاً ناشی از بهره‌کشی ثروتمندان از فقر است. درحالی که بقای جامعه منوط به توزیع ناعادلانه پاداش‌ها نیست (کوئن، ۱۹۳۸؛ توسلی و فاضل، ۱۳۷۲: ۲۴۸) و پاداشی که جامعه به برخی افراد می‌دهد به خاطر تلاش غیرمعمول آنها نیست بلکه امتیازهایی

1 Hess A.

2 Herrnstein & Murray

3 P. Townsend

ناعادلانه است که بر پایه‌ی داوری‌ها و ارزش‌گذاری‌های گروه غالب فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اعطاء شده‌اند، پس باید باز توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع صورت گیرد. به طور کلی، درون هر دو برنامه پژوهشی کارکردگرایی و تضادی، دو نوع عامل تبیینی اقتصادی و اجتماعی از هم متمایز می‌شوند. ریزمن و انگویا^۱ تفاوت نابرابری اقتصادی و اجتماعی را به شکل واضحی، با تمایز نهادن بین استثمار و تبعیض بیان کرده‌اند. آنها نابرابری اقتصادی را نوعی استثمار و نابرابری اجتماعی را تبعیض می‌دانند. در نابرابری اجتماعی بیشتر توجه معطوف به تفاوت‌های کمی و کیفی میان اقشار و طبقات تشکیل دهنده ساختار جامعه و روند تحول در روابط میان اقشار و طبقات جامعه است تا صرف کمیت‌داری و درآمد^۲.

نابرابری‌های اجتماعی در یک نگاه از منظر صاحب نظران

تعریف نابرابری	الزامات اساسی	مبنای نابرابری	پارادایم نظری	رویکرد	سطح تحلیل	نظریه پرداز	
تقسیم کار و تقسیم غیرمساوی پاداش	پاداش	تقسیم کار	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	دورکیم	کارکردگرایان
معیارهای نظام ارزش‌های مشترک	ارزش‌ها	کنش اجتماعی	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	پارسونز	
اشغال جایگاه‌های معین در جامعه و نیاز آن به مهارت‌های خاص	جایگاه‌ها و مهارت‌ها	ضرورت سازمانی	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	دیویس و مور	
توزیع نابرابری قدرت و ثروت، لازم برای تعادل اجتماعی	حاکمیت نخبگان	طبیعت بشر	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	پارتو	
چولگی منابع ارزشمند	منابع ارزشمند	عدالت توزیعی	نظم	جامعه‌شناسی	کلان/خرد	چلبی	

1 Riesman and Nquya

۲ ریزمن و انگویا، ۱۳۸۸: ۲۵۱.

تعریف نابرابری	الزامات اساسی	مبنای نابرابری	پاراادایم نظری	رویکرد	سطح تحلیل	نظریه پرداز	
دیوانسالاری و تقسیم نامساوی اقتدار	دیوانسالاری	قدرت، مشروعیت حیثیت	تضاد	جامعه شناسی	کلان	ماکس وبر	تلفیقی ها
نابرابری بازتاب قدرت و امتیاز	تفاوت در دسترسی به قدرت	قدرت و امتیاز	تضاد	جامعه شناسی	کلان	لنسکی	
ساخت یابی بی نظمی توزیع قدرت و ثروت	منابع ارزشمند	ساخت یابی	تضاد	جامعه شناسی	کلان	گیدنز	
کنترل دارایی مولد	انحصار	انسداد اجتماعی	تضاد	جامعه شناسی	کلان/خرد	فرانک پارکین	
مالکیت وسایل تولید و تقسیم نامساوی پاداش	مالکیت خصوصی	مبارزه طبقاتی	تضاد	جامعه شناسی	کلان	مارکس	رادیکال ها
مالکیت خصوصی بر عوامل تولید	مالکیت	قدرت	تضاد	جامعه شناسی	کلان	وسترگارد و رسلر	
کنترل تولید مادی به مثابه منبع قدرت و نابرابری	نیروی کار	قدرت طبقاتی	تضاد	جامعه شناسی	کلان	نیکولاس پولانزاس	
تاثیر هنجارها و نتیجه ثانویه ساخت اجتماعی قدرت	هنجار و قدرت	توزیع نابرابری اقتدار	تضاد	جامعه شناسی	کلان	دارندورف	

نظریه‌های جامعه شناختی با رویکردی جامعه شناسانه به مسائل قومی و دینی، درصدد بیان علت‌ها و عوامل بروز درگیری، مناقشات و ستیزه‌های قومی و دینی بوده و در این راستا، با بهره‌گیری از مولفه‌های جوامع و ادیان متکثر سعی در شناساندن این علل دارند. نظریه‌های مهم در این رابطه عبارتند از:

۱) نظریه کارکردگرایی (اجتناب ناپذیری نابرابری‌های اجتماعی)^۱

بر اساس این نظریه، نابرابری غالباً مشخصه عام جامعه و ویژگی ضروری سازمان اجتماعی است. برخی علمای اجتماعی مانند دیویس و مور^۲ (۱۹۴۵) کوشیدند پاسخی برای این سوال بیابند که چرا بعضی از موقعیت‌ها^۳ پرستیژ بالاتر و پاداش‌های متفاوتی نسبت به موقعیت‌های دیگر دارند؟ به زعم آنها، این نظام پاداش دهی متفاوت، نظامی است که بهترین و تواناترین افراد آن، موقعیت‌های برتر را اشغال می‌کنند و محرکی است برای اینکه افراد اشغال کننده پایگاه‌ها، به لحاظ اهمیت این پایگاه‌ها، وظایف خود را به طور موثری انجام دهند. سلسله مراتب موقعیت‌ها با نقشی که در کارکرد و ابقای نظم اجتماعی دارند، تعیین می‌شوند. به سخن دیگر، اهمیت کارکردی آن‌ها و میزان کمیابی افراد مناسب قابل دسترس برای پر کردن این موقعیت‌ها، نقش اساسی را در این فرآیند بازی می‌کنند و موقعیت‌ها، هم با پرستیژ و هم با پاداش‌های مادی اجر داده می‌شوند.

۲) نظریه قدرت و امتیاز^۴

دیدگاه مارکس در مورد نابرابری را در چارچوب دیدگاه کلی تر وی، یعنی مبارزه طبقاتی و تغییرات اجتماعی و تاریخی می‌توان یافت. به نظر وی، تاریخ تمام جوامعی که تاکنون وجود داشته‌اند، تاریخ مبارزه طبقاتی است. دوره‌های تاریخی بوسیله نظام سازماندهی اقتصادی یا شیوه تولید حاکم از همدیگر متمایز می‌شوند و تمایز اساسی بین گروه‌ها و طبقات، با نقش متفاوت آنها در نظام تولیدی ارتباط پیدا می‌کند. قدرت در عصر جدید ناشی از توانایی ایجاد و در صورت لزوم، اعمال حقوق خاصی است که دیگران از آن بی بهره‌اند. با این حال، جریان دوطرفه قدرت نامتقارن است و غالباً قدرت با شدت بیشتری از سوی جناح حاکم جریان پیدا می‌کند. نابرابری چند وجهی است و معیارهای متعددی نیز برای رتبه بندی افراد و گروه‌ها وجود دارند؛ از قبیل: مالکیت دارایی، شغل، تحصیلات، قومیت و نژاد.^۵ بخشی از نقد آرای مارکس، مرهون نقد مثبت و سازنده ماکس وبر در خصوص نظریه نابرابری اجتماعی است. به نظر وی، علاوه بر نیروهای اقتصادی، عوامل دیگری از قبیل سیاست و دین که

1 Functionalist theory

2 Davis and Moor

3 position

4 Power and points theory

۵ گرب، ۱۳۷۳؛ کمالی، ۱۳۷۹؛ هامیلتون و هیرزویچ، ۱۹۹۳.

استقلال خاصی دارند، بر مناسبات اجتماعی از جمله نابرابری‌ها تاثیر می‌گذارند. بنابراین در تحلیل نابرابری‌ها، مثل سایر پدیده‌های اجتماعی، باید به ساختارهای چندگانه توجه کرد. زیرا فرآیندها و نیروهای اجتماعی همیشه پیچیده‌اند و به ندرت می‌توان آنها را به سادگی تبیین کرد (مجله آموزش علوم اجتماعی، ۱۳۸۳: ۳۴).

به طور کلی ویژگی بارز تحلیل وبر از ساختار طبقاتی، کثرت گرا بودن آن است. این امتیاز همیشه برای وبر محفوظ خواهد ماند که برای نخستین بار در تاریخ جامعه‌شناسی نگرش چند بعدی به نابرابری‌های اجتماعی را مطرح کرده است (زاهدی، ۱۳۸۲: ۱۹۹). هدف وبر در طرح مباحث خود در ارتباط با توزیع اشیای با ارزش، اشاره به بنیان‌هایی است که بر اساس این توزیع، به صورت نابرابر انجام می‌گیرد و آن کنش متقابل انسان‌ها است. مقوله‌های اقتصادی و طبقاتی از تعامل انسان‌ها در بازار به وجود می‌آیند؛ انسان‌هایی که از منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابهی برخوردارند (گرب، ۱۹۷۳؛ هامپلتون و هیرزویچ ۱۹۹۳).

۳) نظریه کوبو گلو^۱

بر اساس این نظریه کشمکش‌ها و درگیری قومی در درون دسته بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی اجتماعی قابل بررسی است. این دیدگاه، پدیده غضب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی توسط اعضای یک گروه مسلط و همچنین تاثیر تبعیض اجتماعی بر اساس ویژگی‌های قومی، دینی و نژادی را به عنوان کشف‌های عمده خود در نظر می‌گیرد که این تفاوت اجتماعی، قوی ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌ها و درگیری‌های آشکار قومی ایجاد می‌کنند (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷).

فرصت‌های زندگی را به وسیع ترین معنای آن می‌توان شانس دسترسی به انواع کالاهای اقتصادی یا فرهنگی برای هر فرد در هر جامعه دانست. هانس گرت وسی رایت میلز فرصت‌های زندگی را شامل طیف وسیعی از امکاناتی می‌دانند که «احتمال زنده ماندن در طول سال اول زندگی پس از تولد تا امکان آشنایی با هنرها، سلامت زیستن و به طور عادی پرورش یافتن، برخورداری از خدمات پزشکی و درمانی در صورت بیمار شدن، کشیده نشدن به بزهکاری در نوجوانی و مهمتر از همه امکان دستیابی به تحصیلات دبیرستانی یا دانشگاهی» را در برمی‌گیرد (تامین، ۱۳۷۳: ۹۴-۹۳؛ به نقل از زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

1 Gobol glo theory

به نظر می‌رسد عامل تبعیض، مهمترین دلیل شکل‌گیری منازعات قومی است و آنچه موجب ایجاد و تشدید منازعات می‌گردد، توزیع ناعادلانه فرصت‌ها در میان آنان، در مقایسه با اکثریت ساکن در آن کشور است.

۴) نظریه محرومیت نسبی^۱

یکی از نظریه‌هایی که تاکنون در سطوح مختلف و متعدد در جهت بررسی مسائل اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته، نظریه محرومیت نسبی است که اندیشمندان متعددی همچون مرتون، گار و دیویس^۲ بکار برده اند. الیوت ارونسون، محرومیت را از جمله ناکامی‌هایی می‌داند که می‌تواند موجب بروز خشونت گردد؛ البته اونه صرف محرومیت بلکه محرومیت نسبی را که از مقایسه وضع خود با دیگران حاصل می‌شود عامل بروز ناآرامی‌ها می‌داند. «تدرابرت گار» نیز نظریه محرومیت نسبی را برای تحلیل گروه (قومی و دینی) به کار می‌برد. برابر با این نظریه نابرابری‌ها و شکاف عمیق میان اقلیت و اکثریت در یک جامعه باعث ایجاد و افزایش تنش میان آن‌ها می‌شود و ستیزه‌های گروهی نیز غالباً حول میزان سهم گروه‌ها از منابع ملی شکل می‌گیرد.

۵) نظریه تضاد^۳

نظریه تضاد نیز مانند نظریه‌ی انحراف به طور کلی بر عواقب شخصی و اجتماعی تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای معدود تکیه میکند. نقطه ثقل اصلی این نظریه آن است که گروه‌های قدرتمند جامعه علایق مشترک اقتصادی و سیاسی دارند و اکثر برگزیدگان قدرت از قدرت سیاسی خود برای تدوین و اجرای معیارهای قانونی حامی منافع خود استفاده یا در واقع سوء استفاده می‌کنند.

چامبلیس و سیدمن (۱۹۷۱) عقیده دارند که چنین شرایطی در هر جامعه‌ی پیچیده‌ای که دارای نظام

طبقاتی متعددی باشد، به وجود می‌آید. تضادگرایان و اندیشمندان نظریه‌های ترکیبی نیز غالباً، ملاک قشربندی اجتماعی را بر پایه‌ی جایگاه افراد در نظام حاکم بر تولید و رابطه‌ی آنها با ابزار تولید و موقعیت آنها در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه، قرار داده‌اند (بحرانی و سرایی، ۱۳۸۶: ۱۰).

1 Relative deprivation theory

2 Merton, Garr and Davis

3 Conflict Theory

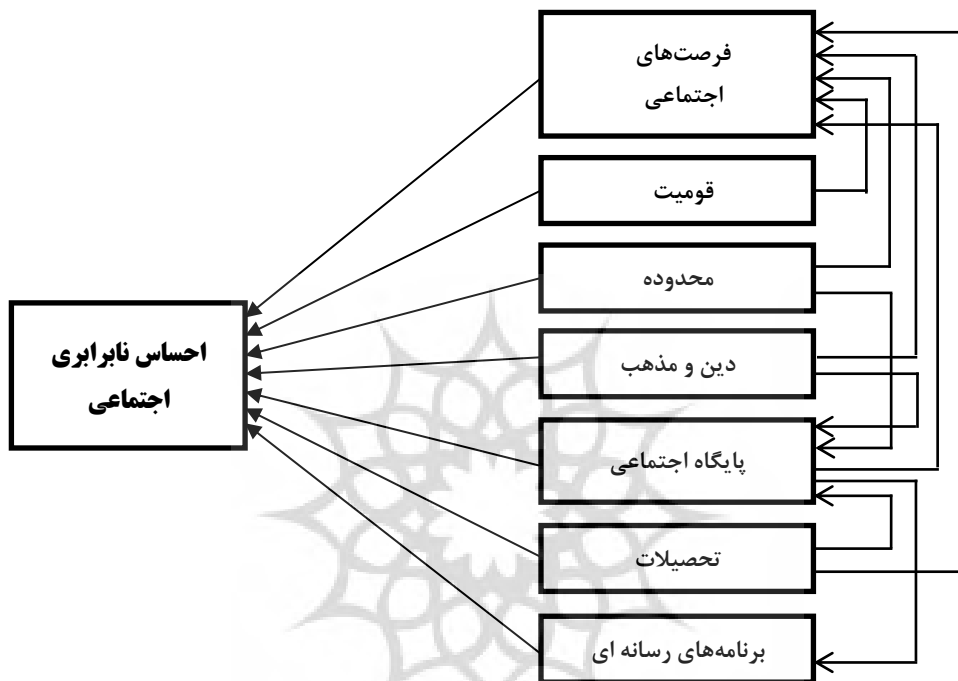
نظریه پردازان این دیدگاه بر خلاف کارکردگرایان که نابرابری‌های اجتماعی را از دیدگاه جامعه به تحلیل می‌کشاند، این مسأله را از دیدگاه افراد در گروه‌ها در درون جامعه مورد تحلیل قرار می‌دهند.

چارچوب نظری پژوهش

در حوزه‌ی نابرابری اجتماعی، نظریه‌های متعددی در رشته‌های مختلف علوم انسانی وجود دارد که در تدوین چارچوب نظری تحقیق می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد جامعه‌شناسان از آغاز پیدایش جامعه‌شناسی به مسئله نابرابری توجه نشان داده‌اند. نابرابری موضوع اصلی تمام آثار مارکس است. بیشتر مردم پرسش‌هایی درباره نابرابری مطرح می‌کنند و افرادی که در جستجوی جهانی عادلانه هستند، تقریباً همیشه آن را منبع بی‌عدالتی می‌شمارند. با توجه به هدف تحقیق، محقق با بررسی و ارزیابی نظریه‌ها و دیدگاه‌های رایج، براین باور است که دستیابی به دید واقعی تری درباره نابرابری‌های اجتماعی و فراهم کردن زمینه درک واقعیت‌ها و تبیین مسأله مورد نظر نظریه‌هایی را انتخاب کرده است که مبنای کارآمدی و کفایت تبیینی دیدگاه مربوط به نابرابری را پوشش می‌دهند و به طور مستقیم و تفصیلی تر به موضوع نابرابری‌های اجتماعی پرداخته‌اند. نظریه‌های محافظه‌کاران مانند: دورکیم، پارسونز، سامنر، پارتو، دیویس و مور و نظریه‌های رادیکال مانند: کارل مارکس، سی‌رایت میلز، دارندروف، نیکوس پولاتتس و همچنین نظریه‌های التقاطی مانند: ماکس وبر، لسنسکی، گیدنز مبنای چارچوب نظری پژوهش حاضر هستند.

با توجه به مدل نظری این پژوهش، هر یک از متغیرهای مستقل شامل، فرصت‌های اجتماعی، قومیت، محدوده جغرافیایی، دین و مذهب، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و برنامه‌های رسانه‌ای ارتباط مستقیمی با احساس نابرابری اجتماعی (متغیر وابسته) دارد. از طرف دیگر، مطابق مدل نظری تحقیق، متغیرهای مستقل به شکلی چند وجهی از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. مثلاً: قومیت، محدوده جغرافیایی (زادگاه)، دین و مذهب، پایگاه اجتماعی و تحصیلات بر روی فرصت اجتماعی (فرصت‌ها یا شانس زندگی) افراد جامعه تاثیر می‌گذارند. همچنین در الگوی نظری می‌توان رابطه محدوده جغرافیایی (زادگاه)، دین و مذهب و تحصیلات را که تعیین کننده پایگاه اجتماعی افراد جامعه هستند مشاهده کرد و در آخر رابطه بین پایگاه اجتماعی افراد جامعه و میزان استفاده آنها از برنامه‌های رسانه‌ای نیز قابل توجه است.

مدل نظری



فرضیه‌های تحقیق

- ✓ میان فرصت‌های اجتماعی و احساس نابرابری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ✓ میان قومیت‌های گوناگون و احساس نابرابری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ✓ میان محدوده‌های جغرافیایی و احساس نابرابری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ✓ میان باور به ادیان مختلف و احساس نابرابری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ✓ میان پایگاه اجتماعی افراد و احساس نابرابری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ✓ میان میزان تحصیلات افراد و احساس نابرابری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ✓ میان استفاده کنندگان از رسانه‌های داخلی و خارجی در زمینه احساس نابرابری اجتماعی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

به لحاظ روش شناختی، این پژوهش از نوع روش ترکیبی یا آمیخته (پیمایشی و نظریه داده بنیاد) است. جامعه آماری تحقیق، بنا به ضرورت موضوع و مسئله تحقیق شامل مناطق پانزده گانه شهر اصفهان است. جامعه آماری بررسی حاضر کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر ساکن مناطق پانزده گانه شهر اصفهان هستند. حجم نمونه بر طبق فرمول کوکران ۴۰۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم انتخاب شدند. داده‌ها با پرسشنامه پژوهشگر ساخته‌ای متشکل از ۲۸ گویه برای متغیرهای مستقل و ۱۸ گویه برای احساس نابرابری اجتماعی (متغیر وابسته) جمع آوری شد که روایی آن از طریق اعتبار صوری و پایایی با آزمایی پرسشنامه ۰/۹۹ (از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ) و با رعایت اعتبار محتوا بر طبق فرمول سن اچ لاوشه نسبت اعتبار محتوا برابر با ۰/۶۸ بدست آمد. در بخش کیفی تحقیق با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی سعی شده است از طریق فنون مصاحبه باز (بدون ساخت) داده‌ها گردآوری و سپس با استفاده از استراتژی نظریه‌ی زمینه‌ای تحلیل شوند. روش انتخاب شرکت کنندگان، روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ است. در این بخش ۲۰ مصاحبه بدون ساخت با جامعه هدف انجام شد. سوالات اصلی و محوری برای مصاحبه شامل موارد زیر بود: به نظر شما چرا نابرابری اجتماعی - اقتصادی در جامعه بروز می‌کند؟ چه عواملی باعث ایجاد احساس نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی در گروه‌های قومی دینی می‌شوند؟

نتایج بدست آمده از مصاحبه‌های عمیق، با روش استقرایی کدگذاری باز شده (تحلیل محتوایی متعارف) و سپس کدهای باز بر اساس معانی مشترک ظاهری و مقایسه‌ی مداوم در قالب زیر طبقه و طبقه‌های فرعی و اصلی دسته بندی شدند. سپس بر اساس نتایج بدست آمده از این مرحله پرسشنامه بخش کمی تنظیم گردید.

در بخش کمی روش مورد استفاده، پیمایش^۲ است. برای جمع آوری اطلاعات لازم، از ابزار پرسشنامه استفاده شد. سپس با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شد از آنجا که قصد بر آن بود که با اعتبار بالایی این تحلیل صورت پذیرد حجم نمونه مورد مطالعه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. برای گزینش نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. روایی سوالات پرسشنامه از نوع روایی صوری است و پایایی^۳ آن از طریق محاسبه ضریب

1 Purposive Sampling

2 Survey

3 Reliability

آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. آلفای کرونباخ برای متغیرهای فرصت اجتماعی یا شانس زندگی، قومیت، جغرافیا یا محدوده‌های مکانی، دین، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و رسانه‌ها به ترتیب برابر ۰/۶۰۲، ۰/۶۳۲، ۰/۵۴۴، ۰/۸۲۸، ۰/۶۰۱، ۰/۷۱۹ و ۰/۴۳۲ بدست آمد. با توجه به آلفای کرونباخ محاسبه شده که ۰/۹۰۱ است می‌توان گفت که قابلیت اعتماد پرسش نامه پژوهش در حد قابل قبولی است. پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم افزار Spss انجام شد.

یافته‌های تحقیق

الف) بخش کیفی: در بخش داده‌های کیفی، با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای (GT) و انجام مصاحبه‌های باز (بدون ساختار) با ۲۰ نفر از اعضای جامعه هدف، اطلاعات لازم جمع‌آوری شده و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد کدگذاری و دسته‌بندی قرار گرفتند. در بخش کدگذاری باز ۲۱۰ مفهوم استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری، با مقایسه مفاهیم مختلف، زمینه‌های مشترک بیشتری میان آنها کشف شد که امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان را فراهم کرد. با استفاده از تکنیک مقایسه پایدار، زمینه‌های ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کدگذاری محوری است امکان پذیرگردید. حاصل این مرحله از فرایند پژوهش، شکل‌گیری "مولفه‌ها" است. در آخرین مرحله کدگذاری، وجوه مشترک مولفه‌های بدست آمده از مراحل قبلی، شناسایی شدند و با توجه به اشتراکات آنها، در دسته‌بندی کلی تری ساماندهی شدند. در مرحله کدگذاری محوری با عنایت به مقوله‌های استخراج شده، ۵ مدل پارادایمی ساخته شد. مدل‌های پارادایمی ساخته شده عبارتند از: ۱) مدل پارادایمی پدیده تغییر اجتماعی؛ ۲) مدل پارادایمی پدیده نابرابری اجتماعی؛ ۳) مدل پارادایمی پدیده آموزش و ظرفیت‌سازی؛ ۴) مدل پارادایمی بالا بردن سطح زندگی؛ و ۵) مدل پارادایمی پدیده فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی عمومی.

۲- مدل پارادایمی پدیده نابرابری اجتماعی



۴- مدل پارادایمی بالا بردن سطح زندگی



با پایان یافتن کدگذاری محوری، قدم بعدی کدگذاری انتخابی است که از تلفیق و توامان کردن طبقات اصلی پدید می‌آید. این کار نیز با توجه به ذهنیت کلی مدل و رهیافتی که مبتنی بر پدیده قومی و دینی بود، شکل گرفت.

جدول شماره (۱): مفاهیم، خرده مقوله‌ها و مقوله‌های گسترده داده‌ها

مفهوم	خرده مقوله‌ها	مقوله‌های گسترده
کنار گذاشتن از ساختار فرهنگی اجتماعی سیاسی اقتصادی		
شغل پست	انزوای شغلی	
ناتوانی مالی	فقر	
محرومیت از نیازهای اساسی	محرومیت اقتصادی	
عدم حمایت اقتصادی		
عدم پذیرش ازدواج توسط جامعه بیرونی	طرد از ازدواج	
پذیرش ازدواج توسط جامعه غیره عشیره ای	طرد از ازدواج در منطقه	
عدم پذیرش توسط گروه‌های قومی و دینی	بسته بودن دایره ازدواج	
عدم پذیرش ازدواج توسط جامعه بیرونی	نابرابری روابط اجتماعی	
نامناسب بودن مکان زیست	نابرابری مکانی	
پست شمردن	روابط اجتماعی نامناسب	
خود محروم سازی	روابط اجتماعی نامناسب	
ارتباط اجتماعی محدود	ارتباط اجتماعی محدود	
عدم پذیرش توسط اجتماع کل	قطع ارتباط اجتماعی	
عدم اعتماد به اجتماع کل	انسداد اجتماعی	
به حاشیه رانده شدن	مشارکت ندادن در سازمان‌های غیر رسمی	
محرومیت از تحصیل	فقر اجتماعی	
ناراضی بودن از سازمان‌های دولتی	ارتباط با سازمان‌های دولتی	
نداشتن پشتوانه اجتماعی	محرومیت اجتماعی	
سلسله مراتب مدیریت سنتی	قشربندی اجتماعی	طرد از سلسله مراتب قدرت
خارج از سلسله مراتب قدرت	بیرون از قشربندی اجتماعی سنتی	
طلاق	خرده فرهنگ مختص به خود	

مفهوم	خرده مقوله ها	مقوله‌های گسترده
لمپن بودن	فقر فرهنگی	
رفتار نابهنجار		نابرابری فرهنگ غالب
حفظ ظاهر	جبر فرهنگی غالب	
حفظ ظاهر در برابر فرهنگ غالب	جبر فرهنگی غالب	
ارتباط با گروه‌های قومی و دینی	ارتباط افقی	
نابرابری محیط‌های آموزشی ورزشی	نابرابری آموزشی ورزشی	
توهین به خاطر زبان خاص	نابرابری زبانی	
داغ مانده بر پیشانی به خاطر قومیت و دین	داغ قومی و دینی	
توهین به خاطر نوع دین	طرد به خاطر نوع دین	
بی توجهی به خاطر دین	طرد به خاطر نوع دین	
توهین به خاطر قومیت	طرد به خاطر قومیت	
بی توجهی به خاطر قومیت	طرد به خاطر قومیت	
درمان نامناسب	بهداشت و درمان نامناسب	
مسکن نامناسب	مسکن نامناسب	نابرابری خدمات اساسی
حمل و نقل نامناسب	خدمات شهری نامناسب	
فضای محیطی نامناسب	فضای نامناسب	
بیکاری ناشی از بین رفتن فن آوری سنتی	شکست فن آوری سنتی	
تغییر سبک زندگی	تغییر شیوه زندگی	تغییرات اجتماعی
کاهش قدرت خانواده	ایجاد تغییر در قدرت خانواده	
تغییر در روابط اجتماعی	تغییر در روابط اجتماعی	

در جدول شماره (۱) مشخص است که نابرابری خدمات اجتماعی، طرد از سلسله مراتب قدرت، نابرابری فرهنگ غالب، نابرابری خدمات اساسی و تغییرات اجتماعی مهمترین شاخص‌های موثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و پیامدهای آن‌ها در بین گروه‌های قومی و دینی در کلان شهر اصفهان بوده و هر کدام دارای زیر شاخه‌هایی هستند که در جدول قابل مشاهده است. گروه پاسخ دهنده عواملی همچون انزوای شغلی، فقر، محرومیت اقتصادی، طرد از ازدواج، طرد از ازدواج در منطقه، بسته بودن دایره ازدواج، نابرابری مکانی، روابط اجتماعی نامناسب، ارتباط اجتماعی محدود، قطع ارتباط اجتماعی، انسداد اجتماعی، مشارکت ندادن در سازمان‌های غیر رسمی، فقر اجتماعی، ارتباط با سازمانی‌های دولتی، محرومیت اجتماعی، قشربندی اجتماعی، بیرون از قشربندی اجتماعی سنتی، خرده فرهنگ مختص به خود، فقر فرهنگی، جبر

فرهنگی غالب، عدول فرهنگی، ارتباط افقی، نابرابری آموزشی، نابرابری زبانی، داغ قومی و دینی، طرد به خاطر نوع دین، طرد به خاطر ساختار جسمانی، طرد به خاطر قومیت، تعدی به خاطر قومیت و دین، بهداشت و درمان نامناسب، مسکن نامناسب، خدمات شهری نامناسب، فضای نامناسب، ازدست دادن شغل، شکست فن آوری سنتی، تغییر شیوه زندگی، ایجاد تغییر در قدرت خانواده، تغییر در روابط اجتماعی را از عوامل ایجاد و تشدید کننده نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی برای خود می‌دانند که تمامی این موارد بیشتر به علت تنوع قومی نژادی و دینی موجود در شهر اصفهان ایجاد شده اند. از نظر قومی می‌توان بیان داشت که اقوام فارس، لر و ترک در شهرهای اطراف اصفهان آنچنان در هم تنیده شده‌اند که تشخیص روستاها و شهرهای ترک نشین یا لر نشین اطراف اصفهان به آسانی امکان پذیر نیست. تنوع قومیتی در استان همجوار (چهارمحال و بختیاری) نیز مزید بر علت شده است. از شهرهای ترک نشین اطراف اصفهان که با مهاجرت به اصفهان رنگ و بوی زبان ترکی را در این شهر تقویت کرده‌اند می‌توان به فریدن، شهرضا، فرادنبه و... اشاره کرد. همچنین به علت نزدیکی و مجاورت با استان فارس و بخشی از استان‌های چهارمحال و مرکزی، اقوام لر نیز در اصفهان سکنی گزیده‌اند و این وضعیت نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و محدودیت‌های ازدواج را برای افراد به وجود می‌آورد. علاوه بر اینها تنوع و نابرابری درآمدی باعث تفاوت‌ها در دسترسی به منابع می‌شود. افراد با درآمد کمتر شاهد نابرابری در دسترسی به امکانات شهری خواهند بود. در نهایت می‌توان اشاره نمود که وجود کلیساها و مساجد در کنار یکدیگر در این شهر، امکان تنوع دینی را فراهم کرده و پیروان دینی در اقلیت نیز به نوبه خود نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی را تجربه می‌کنند و تصور می‌کنند که امکانات بیشتر در اختیار گروه غالب دینی که پیرو مذهب رسمی کشور هستند قرار دارد.

ب) بخش کمی: در بخش کمی تحقیق، عوامل موثر بر احساس نابرابری اجتماعی اقتصادی در ۷ بعد، مورد ارزیابی قرار گرفته اند. در ابتدا سیمایی از ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان در جدول شماره ۲ آورده شده است. نتایج بدست آمده از بررسی وضعیت جمعیت شناختی پاسخ دهندگان نشان داد:

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک متغیرهای تحقیق

درصد	متغیرها		درصد	متغیرها	
۶۱,۵	اجاره ای	مالکیت منزل مسکونی	۵۷	زن	جنسیت
۳۶,۸	شخصی		۴۳	مرد	
۱,۷	سازمانی		۲۰	۱۸-۳۰	سن
۵۶	رهن کامل	۴۱	۳۱-۴۰		
۴۴	رهنی-اجاره ای	۲۳	۴۱-۵۰		
۷,۸	۵۰-۶۰	متر از منزل مسکونی	۱۶	بالتر- ۵۱	تاهل
۱۶,۵	۶۱-۷۰		۷۳	متاهل	
۲۸,۸	۷۱-۸۰		۲۷	مجرد	
۲۰	۸۱-۹۰		۲۲	بی سواد و زیر دیپلم	میزان تحصیلات
۱۶,۷	۹۱-۱۰۰	۳۲	دیپلم		
۱۰,۲	بیش از ۱۰۰ متر	۶,۳	فوق دیپلم		
۶۱	فارس	۳۰	لیسانس		
۱۱,۵	آذری	قومیت	۹,۴	فوق لیسانس	وضعیت شغلی
۱۰,۲۵	لر		۰,۳	دکتری	
۸,۵	کرد		۸۵,۵	شاغل	
۵	عرب		۹,۳	بیکار	
۲,۷۵	افغان	قومیت	۳,۷	بازنشسته (شاغل)	وضعیت شغلی
۱	بلوچ		۱,۵	بازنشسته (مستمری بگیر)	
۹۲,۷۵	مسلمان	دین	۴۲,۳	۱۰۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰	میزان متوسط درآمد ماهیانه
۶,۲۵	مسیحی		۳۴,۳	۲۰۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰۱	
۱	یهودی		۲۰,۲	۳۰۰۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰۰۱	
۰	زرتشتی		۳,۲	بیش از ۳۰ میلیون	
			۸۹	آپارتمان	نوع منزل مسکونی
			۱۱	ویلا	

- جنس: در تحقیق حاضر از مجموع ۴۰۰ نفر نمونه، ۵۷ درصد پاسخگویان زن و ۴۳ درصد مرد بوده‌اند.
- گروه سنی: بیشترین فراوانی با ۴۱ درصد مربوط است به افراد دارای سن ۳۱ تا ۴۰ و کمترین فراوانی با ۱۶ درصد را پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که دارای سن بالاتر از ۵۱ بوده‌اند.
- وضعیت تاهل: ۷۳ درصد پاسخگویان متاهل و ۲۷ درصد مجرد‌اند.
- میزان تحصیلات: بیشترین فراوانی با ۳۲ درصد مربوط است به دیپلم و کمترین فراوانی با ۰/۳ درصد را پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که در مقطع تحصیلی دکتری بوده‌اند.
- وضعیت اشتغال: بیشترین فراوانی با ۸۵/۵ درصد مربوط به پاسخگویان شاغل بوده و کمترین فراوانی با ۱/۵ درصد بازنشسته (مستمری بگیر) بوده‌اند.
- میزان درآمد ماهانه: کمترین فراوانی با ۳/۲۵ درصد مربوط به پاسخگویانی است که درآمد ماهانه ۱ تا ۱۰ میلیون ریال دارند و بیشترین فراوانی با ۴۲/۲۵ درصد مربوط به پاسخگویانی است که درآمد ماهانه بیش از ۳۰ میلیون ریال دارند.
- نوع منزل مسکونی: ۸۹ درصد پاسخگویان در آپارتمان سکونت داشته و ۱۱ درصد در منزل ویلایی ساکن بوده‌اند.
- مالکیت منزل مسکونی: بیشترین فراوانی با ۶۱/۵ درصد مربوط به پاسخگویانی است که در منزل اجاره‌ای سکونت دارند و کمترین فراوانی با ۱/۷ درصد به پاسخگویانی اختصاص دارد که در منزل سازمانی ساکن هستند.
- نوع اجاره منزل مسکونی: بیشترین فراوانی با ۵۶ درصد مربوط به پاسخگویانی است که منزل مسکونی را به صورت رهن کامل اجاره کرده‌اند و کمترین فراوانی با ۴۴ درصد به پاسخگویانی اختصاص دارد که منزل مسکونی را به صورت رهن و اجاره گرفته‌اند.
- متراژ منزل مسکونی: بیشترین فراوانی با ۲۸/۸ درصد به پاسخگویان دارای منزل مسکونی بین ۷۰ تا ۸۰ متر مربع اختصاص دارد و کمترین فراوانی با ۷/۸ درصد مربوط به پاسخگویان دارای منزل مسکونی بین ۵۰ تا ۶۰ متر مربع است.
- ۱ زبان یا گویش (قومیت): بیشترین فراوانی با ۶۱ درصد به پاسخگویان فارسی زبان اختصاص دارد و کمترین فراوانی با ۱ درصد مربوط به پاسخگویان بلوچ است.
- ۲ دین: بیشترین فراوانی با ۹۲/۷۵ درصد به پاسخگویان دارای دین اسلام اختصاص دارد.

- ۳ اولویت استفاده از رسانه‌ها: بیشترین فراوانی مربوط به استفاده از ماهواره با ۳۶/۷۵ درصد و کمترین مربوط به استفاده از رادیو داخلی با ۳ درصد است.
- ۴ اولویت استفاده از برنامه‌های مورد پسند در تلویزیون: بیشترین فراوانی مربوط به برنامه‌های خبری با ۲۶/۵ درصد است.
- ۵ اولویت استفاده از برنامه‌های مورد پسند در ماهواره: اولین اولویت مربوط به برنامه‌های خبری و آخرین اولویت مربوط به برنامه‌های جنسی (سکسی) است.

جدول شماره (۳): میزان احساس نابرابری اجتماعی پاسخگویان

احساس نابرابری	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۳۴	۸,۵
زیاد	۴۰	۱۰
متوسط	۱۴۳	۳۵,۷۵
کم	۷۹	۱۹,۷۵
خیلی کم	۱۰۴	۲۶
جمع	۴۰۰	۱۰۰

در جدول (۳) مشاهده می‌شود که پاسخگویان در پنج گروه مختلف با ۸/۵ درصد با احساس نابرابری اجتماعی خیلی زیاد، ۱۰ درصد با احساس نابرابری اجتماعی زیاد، ۳۵/۷ درصد با احساس نابرابری اجتماعی متوسط، ۱۹/۷ درصد با احساس نابرابری اجتماعی کم و ۲۶ درصد با احساس نابرابری اجتماعی خیلی کم هستند.

افرادی که احساس نابرابری اجتماعی خیلی زیادی داشتند ۸/۵ درصد و کسانی که احساس نابرابری اجتماعی خیلی کم داشتند ۲۶ درصد از نمونه آماری را تشکیل داده‌اند.

جدول شماره (۴): تحلیل واریانس یک سویه وجود تفاوت احساس نابرابری اجتماعی بر

اساس ابعاد مختلف متغیرهای مستقل

متغیر وابسته	متغیر مستقل	f	df	sig
احساس نابرابری اجتماعی	فرصت‌های اجتماعی	۸۱/۸۲۵	۲	۰/۰۰۰
	قومیت‌ها	۰/۳۳۳	۶	۰/۹۲۰
	محدوده‌های جغرافیایی	۲۰۸/۰۱۶	۴	۰/۰۰۰

متغیر وابسته	متغیر مستقل	f	df	sig
	دین	۰/۳۶۷	۲	۰/۶۹۳
	پایگاه اجتماعی	۰/۶۵۱	۲	۰/۵۲۲
	تحصیلات	۱/۹۹۱	۷	۰/۰۵۵
	برنامه‌های رسانه‌ای	۰/۶۹۳	۲	۰/۵۰۱

همان گونه که در جدول شماره (۴) می‌توان دید در خصوص وجود تفاوت بین متغیر مستقل فرصت‌های اجتماعی و متغیر وابسته احساس نابرابری‌های اجتماعی، مقدار آماره آزمون F محاسبه شده در درجه آزادی ۲ به میزان ۸۱/۸۲۵ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ است و بیانگر وجود تفاوت است.

- در خصوص وجود تفاوت بین متغیر مستقل قومیت و متغیر وابسته احساس نابرابری‌های اجتماعی، مقدار آماره آزمون F محاسبه شده در درجه آزادی ۶ به میزان ۰/۳۳۳۰ در سطح معناداری ۰/۹۲۰ است که بیانگر وجود تفاوت نیست.

- در خصوص وجود تفاوت بین متغیر مستقل محدوده جغرافیایی و متغیر وابسته احساس نابرابری‌های اجتماعی، مقدار آماره آزمون F محاسبه شده در درجه آزادی ۴ به میزان ۲۰۸/۰۱۶ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ است و بیانگر وجود تفاوت است.

- در خصوص وجود تفاوت بین متغیر مستقل دین و متغیر وابسته احساس نابرابری‌های اجتماعی، مقدار آماره آزمون F محاسبه شده در درجه آزادی ۲ به میزان ۰/۳۶۷ در سطح معناداری ۰/۶۹۳ است و بیانگر وجود تفاوت نیست.

- در خصوص وجود تفاوت بین متغیر مستقل پایگاه اجتماعی و متغیر وابسته احساس نابرابری‌های اجتماعی، مقدار آماره آزمون F محاسبه شده در درجه آزادی ۲ به میزان ۰/۶۵۱ در سطح معناداری ۰/۵۲۲ است و بیانگر وجود تفاوت نیست.

- در خصوص وجود تفاوت بین متغیر مستقل تحصیلات و متغیر وابسته احساس نابرابری‌های اجتماعی، مقدار آماره آزمون F محاسبه شده در درجه آزادی ۷ به میزان ۱/۹۹۱ در سطح معناداری ۰/۰۵۵ است و بیانگر وجود تفاوت نیست.

- در خصوص وجود تفاوت بین متغیر مستقل برنامه‌های مختلف رسانه‌ای و متغیر وابسته احساس نابرابری‌های اجتماعی، مقدار آماره آزمون F محاسبه شده در درجه آزادی ۲ به میزان ۰/۶۹۳ در سطح معناداری ۰/۵۰۱ است و بیانگر وجود تفاوت نیست.

جدول شماره (۵): آماره‌های گروهی آزمون تی برای مقایسه احساس نابرابری‌های اجتماعی بین استفاده‌کنندگان از رسانه‌های داخلی و خارجی
آماره‌های گروهی

	رسانه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای معیار
احساس نابرابری	داخلی	۹۷	۲/۸۲	۰/۷۳۶	۰/۰۷۵
	خارجی	۳۰۳	۳/۱۶	۰/۶۱۹	۰/۰۳۶

مقایسه میانگین‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که استفاده‌کنندگان از رسانه‌های خارجی با میانگین ۳/۱۶ درصد نسبت به استفاده‌کنندگان از رسانه‌های داخلی با میانگین ۲/۸۲ درصد به میزان تفاوت ۰/۳۴ بیشتر احساس نابرابری اجتماعی می‌کنند.

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها

(2-tailed) sig.	df	t		
احساس نابرابری	با فرض برابری واریانس‌ها	-۴/۳۶۲	۳۹۸	۰/۰۰۰
	با فرض نابرابری واریانس‌ها	-۳/۹۹۱	۱۴۲/۰۶۵	۰/۰۰۰

assumed

همانگونه که جدول (۵) نشان می‌دهد، در خصوص فرضیه وجود تفاوت در زمینه احساس نابرابری اجتماعی بین استفاده‌کنندگان از رسانه‌های داخلی و خارجی، با توجه به نتایج آزمون که میزان معناداری کمتر از ۰/۰۵ بود از تی برای واریانس‌های برابر استفاده شد و تی محاسبه شده در درجه آزادی ۳۹۸ به میزان ۴/۳۶۲- و همچنین از تی برای واریانس‌های نابرابر استفاده شد و تی محاسبه شده در درجه آزادی ۱۴۲/۰۶۵ به میزان ۳/۹۹۱- برای احساس نابرابری اجتماعی بود. پس می‌توان گفت بین استفاده‌کنندگان از رسانه‌های داخلی و خارجی در زمینه احساس نابرابری‌های اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

❖ نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک سویه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان فرصت‌های اجتماعی و احساس نابرابری اجتماعی وجود دارد. در تبیین این یافته باید اشاره کرد که اصطلاح فرصت‌ها یا شانس‌های زندگی را نخستین بار وبر به کار برد و منظور او امکانات اختصاصی شخص از لحاظ برخورداری از ثروت، وضعیت بیرونی

زندگی و تجربه شخصی بود(ریتزر، ترجمه نایی، ۱۳۹۳: ۱۸۳). فرصت‌های زندگی را به وسیع‌ترین معنای آن می‌توان شانس دسترسی به انواع کالاهای اقتصادی یا فرهنگی برای هر فرد در هر جامعه دانست. فرصت‌های زندگی متراکم شده، نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی موجود در ساختار نظام‌های اجتماعی را منعکس می‌سازد. دسترسی متفاوت گروه‌های اجتماعی مختلف به این فرصت‌ها زمینه‌های لازم برای پایداری هر چه بیشتر شکاف‌ها و نابرابری‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. شاید بتوان تفاوت مشاهده شده در این پژوهش را ناشی از عدم توزیع مناسب فرصت‌های اجتماعی در سطح شهر اصفهان دانست. زیرا به نظر می‌رسد که کسب شانس‌ها یا فرصت‌های زندگی دسترسی به موفقیت را برای این افراد آسان می‌سازد. این امر می‌تواند تفاوت معناداری بین افراد دارای فرصت‌های اجتماعی متفاوت را توجیه کند.

❖ نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک سویه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان قومیت‌های گوناگون و احساس نابرابری اجتماعی وجود ندارد.

در تبیین نتایج حاصله می‌توان به نظریه هررد اشاره کرد که می‌گوید: «وجوه مشترک انسان‌های متعلق به یک گروه تاثیر مستقیمی بر ماهیت آنها دارد(برلین؛ ترجمه کوثری، ۱۳۸۶: ۱۰۹). انتظار می‌رفت که فرضیه مزبور تأیید شود و تأیید نشدن آن را می‌توان اینگونه تبیین کرد که اصفهان شهری مهاجرپذیر است و عدم تمرکز اقوام در مناطق خاص و توزیع تقریباً یکسان گروه‌های فارسی زبان در سطح شهر ممکن است باعث اختلاط فرهنگ‌ها و نزدیکی اعضای گروه‌ها به فرهنگ جهانی و کمرنگ شدن یا رنگ باختن فرهنگ‌های محلی شده باشد. انتقال فرهنگ جهانی در زمینه الگوهای جامعه مدنی باعث بالا رفتن سطح مطالبات همه گروه‌ها و اقوام گوناگون گردیده است. این امر مبین آن است که الگوهای فرهنگی جامعه جهانی تا حدودی عواملی همچون قوم‌گرایی را کم رنگ و کم اثر کرده است.

❖ نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک سویه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان محدوده جغرافیایی و احساس نابرابری اجتماعی وجود دارد.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت: به نظر می‌رسد، مردم هر ناحیه مجبورند خود را با طبیعت وفق دهند و این امر تاثیر مستقیم و نامستقیمی بر زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها برجای می‌گذارد و در درازمدت خلق و خوی آنها را نیز متاثر می‌سازد. چنانکه گوردن چایلد تمدن را محصول انقلاب شهری می‌داند و بگ بای^۱ آن را نوعی فرهنگ پدیدار شده در شهرها

1 Big bye

تعریف می‌کند (علمداری، ۱۳۸۰، ۶۰). بر این اساس به نظر می‌رسد که تعریف مفهومی جغرافیا و تعریف ذهنی افراد یا در مواردی نگاه مسئولان شهری به تقسیم بندی و درجه بندی افراد در شهرها (بالای شهرنشین، پائین شهرنشین یا شهروند درجه یک و شهروند درجه دو) بیانگر رابطه میان محیط و انسان است. به سخن دیگر تمام اجزاء و ضوابطی که در محیط یا منطقه جغرافیایی محل سکونت وجود دارد می‌تواند بر نوع نگاه، نگرش و احساس افراد در مورد نابرابری اجتماعی تاثیرگذار باشد.

❖ نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک سویه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان باور به ادیان مختلف و احساس نابرابری اجتماعی وجود ندارد. در تبیین این یافته به دیدگاه دورکیم اشاره می‌شود که می‌گوید: دین نه تنها اطمینان و اعتماد خارج از حد در افراد ایجاد می‌کند، بلکه در رابطه افراد با گروه و سازگاری آنها با جامعه نقش مهمی دارد^۱. از این رو دورکیم کارکرد تازه‌ای برای دین قائل می‌شود و آن ایجاد اعتماد، اطمینان و سازگاری فرد با گروه و ارتباط آنها با یکدیگر است. از نظرمارکس دین و اعتقادات مذهبی (نهادی محافظه کار تلقی می‌شود) تحمل نابرابری‌ها را آسان می‌کند و هیچ تلاشی برای رفع و دفع علل آن توصیه نمی‌کند. با توجه به اینکه ادیان آسمانی جهان پس از مرگ را به انسان‌ها نوید می‌دهند، به نظرمی رسد که همگی تحمل سختی‌ها و شاید این دنیا را توصیه می‌کنند. حتی در پاره‌ای از موارد تقدیرگرایی و سرنوشت از پیش تعیین شده را مطرح می‌سازند. لذا یکسان بودن نگرش ادیان و ادیان گوناگون به نابرابری‌های دنیوی و اجتماعی قابل پیش بینی و تصور است.

❖ نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک سویه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان پایگاه اجتماعی افراد و احساس نابرابری اجتماعی وجود ندارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت: نظر به اینکه توسعه ارتباطات، امکان دستیابی به اطلاعات را از انحصار افراد محدودی که دارای امکانات مالی بالاتر هستند خارج کرده و فرصت تقریباً یکسانی برای قشرهای بیشتری از جامعه فراهم نموده است، دستیابی به معیارهای جامعه مدنی نیز آسان تر شده است و همین امر زمینه‌ای فراهم کرده است که دیدگاه‌های مردم درباره پایگاه‌های اجتماعی گوناگون به فرهنگ جهانی و جامعه مدنی نزدیک تر شود. به ویژه در حوزه

۱ وفایی، زینب؛ عسکری زاده، قاسم؛ رحمتی، عباس. مقاله رابطه هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ، فصلنامه روانشناسی دین سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، ص ۵۴.

نگرش به احساس نابرابری‌های اجتماعی که برطبق الگوهای فرهنگ جهانی، تامین حداقل امکانات مورد نیاز انسان‌ها یکی از میثاق‌های جامعه مدنی است و برطبق قرارداد اجتماعی از وظایف دولت‌ها در مقابل مردم به شمار می‌آید.

❖ همچنین نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک سویه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان افراد با تحصیلات متفاوت و احساس نابرابری اجتماعی وجود ندارد.

در تبیین این یافته می‌توان اشاره کرد که میزان تحصیلات می‌بایست با توجه به مدت زمان طولانی جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ جهانی و جامعه مدنی، از عوامل موثر به شمار می‌آید، لیکن رد فرضیه مزبور موید آن است که امروزه رسانه‌ها نقشی هم‌تراز و گاهی برجسته‌تر و موثرتر از موسسات آموزش عالی در انتقال اطلاعات، ایده‌ها و آگاهی بر عهده گرفته‌اند و به راستی و درستی می‌توان آن را قدرت نرم تعبیر کرد. این قدرت نرم به نظر می‌رسد قادر است که در نزدیک‌تر کردن دیدگاه‌های شهروندان نقش و تأثیری برابر یا حتی گاهی بیشتر داشته باشد و بر نگرش شهروندان در زمینه احساس نابرابری‌های اجتماعی تأثیر بگذارد.

❖ نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان مخاطبان رسانه (خارجی و داخلی) و احساس نابرابری اجتماعی وجود دارد. در تبیین این یافته نیز می‌توان گفت: به نظرمی رسد تبلیغات و تأثیر آن بر افکار عمومی یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای تقویت و تثبیت مقبولیت سلطه سیاسی بوده است و به صور گوناگون به اجرا گذاشته می‌شود. اما با توسعه ارتباطات، پدیده افکار عمومی وجه بارز و ملموس‌تری به خود گرفته است که می‌توان آن را آشکارا درک و مشاهده کرد. امروزه رسانه‌های جمعی با ابزارهای نوین خود از جمله ماهواره و اینترنت با روش‌های گوناگون و جالبی فرد را با سبک زندگی متفاوت، شرایط بهتر، زندگی جذاب‌تر، کشوری بهتر و به طور کلی وضعیت بهتر آشنا می‌کنند. به نظر می‌رسد تفاوت احساس نابرابری اجتماعی در بین استفاده‌کنندگان از رسانه‌های داخلی با میانگین ۲/۸۲ نسبت به رسانه‌های خارجی با میانگین ۳/۱۶ مبین این امر است که تبلیغات مثبت رسانه‌های داخلی حکومت توانسته است این احساس نابرابری را تا حدودی کاهش دهد. ولی استفاده از رسانه‌های خارجی با توجه به نداشتن احساس مسئولیت در برابر وفاق اجتماعی در بین شهروندان ایرانی (و درموردی بزرگ‌نمایی نقاط منفی شکاف اقتصادی) می‌تواند توجیه‌گر این تفاوت باشد.

❖ و بالاخره نتایج حاصل از پژوهش و یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک سویه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان برنامه‌های رسانه‌ای (برنامه‌های مختلف رسانه‌ای) و احساس نابرابری اجتماعی وجود ندارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که به نظر می‌رسد ارزیابی نفوذ تلویزیون و ماهواره به عنوان یک وسیله فرهنگی، برحسب محتوای برنامه‌های آنها آنگونه که باید مقدور نباشد. در جوامع امروزی تلویزیون و ماهواره به فراهم ساختن چارچوب‌های تجربی و نگرش‌های کلی فرهنگی که در درون آن افراد اطلاعات را تفسیر می‌کنند و سازمان می‌دهند کمک می‌کند. تلویزیون و ماهواره در گسترش شکل‌های نامستقیم ارتباط در عصر حاضر به اندازه کتاب یا مجلات و روزنامه‌ها مهم است. تلویزیون و ماهواره روش‌های تفسیر زندگی اجتماعی و واکنش نشان دادن به آن را با کمک نظم دادن به تجربه‌های زندگی اجتماعی، قالب ریزی می‌کنند. البته به نظر می‌رسد نوع برنامه در ایجاد احساس نابرابری موثر نباشد، بلکه هرچه کارآیی تبلیغات بیشتر باشد میزان تاثیر آن بر کاربران افزایش می‌یابد.

۷ و بالاخره به عنوان نتیجه نهایی تحقیق می‌توان گفت که با توجه به اینکه فرصت‌های اجتماعی به صورتی متراکم شده نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی موجود در ساختار نظام‌های اجتماعی را منعکس می‌سازد و دسترسی متفاوت گروه‌های اجتماعی مختلف به این فرصت‌ها زمینه‌های لازم برای پایداری هر چه بیشتر شکاف‌ها و نابرابری‌های اجتماعی را فراهم می‌کند، بهتر است ترتیبی اتخاذ شود که این فرصت‌های اجتماعی به صورت متقارن در جامعه توزیع شود و همه افراد شانس آن را داشته باشند که از کالاهای اقتصادی و فرهنگی جامعه سهمی ببرند.

منابع

برلین، آیزایا؛ ریشه‌های رومانیسم، ترجمه: عبدالله کوثری، انتشارات ماهی، ۱۳۸۶.
بیراوند، علی؛ (۱۳۹۱). مقاله نظریه قشربندی اجتماعی (مروری بر آراء جامعه‌شناسان کلاسیک ومدرن)

<http://bayran.blogfa.com>

تامین، ملوین ماروین؛ (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی نظری، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.

شارون، جوئل؛ ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۷۹.

حمیدیان، اکرم؛ زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر؛ انصاری، امیر؛ (۱۳۹۴)، مقاله بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها. دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان.

ذاکره‌نجنی، ح؛ (۱۳۸۶). نابرابری درآمدی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.

ربانی، ر؛ انصاری، ا؛ (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. اصفهان: انتشارات سمت. ریتزر، جورج؛ (۱۹۲۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی، ۱۳۹۳.

میرزایی، خلیل؛ (۱۳۹۵)، کیفی پژوهی، پژوهش پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی، تهران: نشر فوژان. توسلی، غلامعباس؛ (۱۳۶۹). ده مقاله در جامعه‌شناسی دینی و فلسفه تاریخ: انتشارات قلم.

ریزمن، لئونارد؛ انگویا، ماریانوف؛ (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه محمدقلی پور، مشهد، نشر آوای کلک.

زاهدی، محمدجواد؛ (۱۳۸۵)، توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.

سیدمن، استیون؛ (۱۳۸۶)، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

سینچکام، هیمن و دیگران؛ (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه جواد افشار کهن، تهران: نشر نیکا.

شکوری، علی؛ (۱۳۸۳)، مقاله نظریات نابرابری‌های اجتماعی. فصلنامه آموزش علوم اجتماعی، دوره هشتم، شماره یک، پاییز.

شیانی، ملیحه؛ (۱۳۸۴)، فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، پاییز، شماره ۱۱.

عبدی، عباس؛ (۱۳۹۹). مقاله نابرابری؛ مارگرسنه‌ای که دم خود را می‌خورد، خبرگزاری تسنیم، ۳۰ شهریور. علمداری، جهانگیر؛ (۱۳۸۰). موانع نشانه‌شناختی گفتگوی تمدن‌ها، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، چاپ اول ۱۳۸۰، تهران.

فیتز پتریک، تونی؛ (۱۳۸۲)، نظریه‌های رفاه جدید، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

فیروزآبادی سیداحمد؛ صادقی، علیرضا؛ (۱۳۹۲)، طرد اجتماعی؛ رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

کمالی، علی؛ (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.

گرب، ادوارد، ج؛ (۱۳۸۱)، نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، مترجمان: محمود سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد، چاپ سوم، انتشارات نشر معاصر.

گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

لهسایی زاده، ع؛ (۱۳۷۷). نابرابری و قشربندی اجتماعی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
نوابخش، فرزاد؛ خادم، رسول؛ (۱۳۹۰)، مقاله بررسی عوامل بنیادین و مؤثر در شکل‌گیری روابط و مناسبات قومی در جامعه ایران. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم/شماره اول/زمستان.

وفایی، زینب؛ عسکری زاده، قاسم؛ رحمتی، عباس؛ (۱۳۹۰). مقاله رابطه هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ، فصلنامه روانشناسی دین سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰.
هورست، چارلز ای؛ (۱۹۴۱)، نابرابری اجتماعی: انواع، علل و پیامدها. مترجم علی شکوری. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۶.

- Atkinson, A. B. and Hills, J. (1998), Exclusion, employment and opportunity CASE paper, Centre for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics and Political Science, London, UK.
- Blackburn, R. M. and Jarman, J. (2006), Gendered Occupations: Exploring the Relationship between Gender Segregation and Inequality, *International Sociology* 2006 21: 289.
- Bottero, W. (2005), *Stratification, Social Division and Inequality*, Routledge, London and New York.
- Card, D. and Steven, R. (2013), *Immigration, poverty and socioeconomic inequality*, New York, Russell Sage Foundation.
- Chakravarty, S. R. (2009), *Inequality, Polarization and Poverty Advances in Distributional Analysis, Economic Studies in Inequality, Social Exclusion and Well-Being* Springer Press.
- Dowling, M. (1999), *Social Exclusion, Inequality and Social Work*, *Social Policy & Administration* issn Vol. 33, No.3, September, 245-261.
- Grusky, D. B. (2008), *Social Stratification, Class, Race and Gender in Sociological Perspective*, USA, Westview Press.